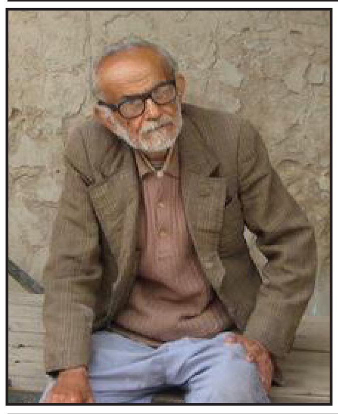
# نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و سوم - شماره ۹۳۶ سه شنبه هیجدهم آذر ۱۳۹۹ - ۱۰۰۰ تومان

خاطرات شادروان عبدالرسول جمالی تنگستانی از بوشهر قدیم، در نسیم جنوب

## چگونگی آمدن به بندر بوشهر

به کوشش محمد علی بختیاری

صفحه۳



## نبرد مجنون

خاطرات غلامشاه جمیله ای رزمنده گناوه ای، در نسیم جنوب

صفحه۳

# مصائب سیلاب در بوشهر و آمادگی دولت برای کمک به آسیب‌دیدگان

صفحه ۴





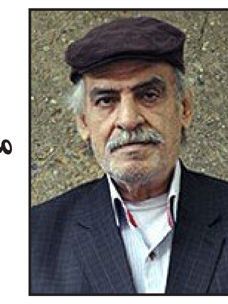

در سوگ از دست دادن دکتر حبیب الله دشتی

## انسان بزرگی که وجودش موجب مباهات و نتیجه کارش منشا نجات جان بسیاری از هموطنان شد

دکتر افشین استوار

صفحه ۴


۲



پای اصلی تمامی آثار من در واقعیت بوده است

ایرج صغیری

۲



نداشتن چشم انداز مثبت به آینده

مینا درعلی

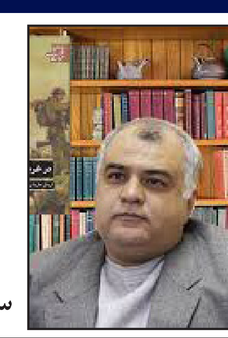
۳



دکترعبدالمجید ارفعی، برگرداننده گل نبشته های باستان

دکتر محمود دهقانی

۴



سیدمهدی علوی؛ یکی از ستون‌های تاریخ شفاهی چاپ ایران و بوشهر

سیدقاسم یاحسینی


## اعلام آمادگی دولت برای جبران خسارت‌های سیل دشتستان

معاون امور اقتصادی استاندار بوشهر در جلسه ستاد مدیریت بحران شهرستان دشتستان گفت: "اسحاق جهانگیری" معاون اول رئیس جمهوری در تماس تلفنی با مسئولان این استان آمادگی دولت برای کمک به جبران خسارت‌های سیل در شهرستان دشتستان را اعلام کرد.

به گزارش ایرنا سعید زرین فر افزود: همچنین بسیاری از مدیران کشوری با تماس تلفنی جویای




مسائل و مشکلات ایجاد شده ناشی از سیل روز یکشنبه (۱۶ آذرماه) در نقاط مختلف شهرستان دشتستان شدند و برای همکاری درجبران خسارت‌ها اعلام آمادگی کردند.

وی با اشاره به این پیگیری‌ها و اعلام آمادگی مدیران کشوری، اعضای ستاد مدیریت بحران شهرستان هر کدام در حوزه کاری و دستگاه اجرایی مربوطه تا پایان وقت اداری امروز گزارش مشکلات و بررسی و ارزیابی خسارت‌های سیل و بارندگی جمع‌آوری و ارائه کنند، زیرا در این




شرایط که مدیران کشور آماده همکاری برای جبران خسارت‌ها هستند نباید در این زمینه تعلل کرد. زرین فر ادامه داد: تعلل و کوتاهی در این ارتباط از هیچ دستگاهی پذیرفته نیست و باید هرچه زودتر خسارت‌ها پیگیری و گزارش ارائه شود زیرا در جذب کمک‌های ملی موفق تر خواهیم بود.

براساس اداره کل هواشناسی بوشهر در جریان فعالیت سامانه بارشی یادشده در شهرهای برازجان، خارگ، گناوه، دیلم و اهرم به ترتیب با ۱۱۵، ۱۰۰، ۹۰، ۵۰ و ۴۴ میلی متر بارندگی ثبت شد.

## سه استاد دانشگاه خلیج فارس بوشهر در بین ۲ درصد دانشمندان پراستناد



بر اساس نتایج یک پژوهش علمی براساس شاخص‌های استنادی استاندارد، سه تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس در بین ۲ درصد دانشمندان برتر پر استناد جهان قرار گرفتند.

دکتر پرویز ملک زاده استاد گروه مهندسی مکانیک و آقایان دکتر خدابخش نیکنام و دکتر حسین اسلامی استادان گروه شیمی از جمله کسانی بودند که در نتایج این پژوهش، معرفی شدند.

در پژوهش یاد شده که به رهبری John P. A. Ioannidis استاد شاخص دانشگاه استانفورد انجام شده، کل کسانی که در پایگاه اسکوپوس دست کم ۵ مقاله نمایه شده دارند (بیش از ۶ میلیون نفر) شناسایی و بر پایه شاخصی ترکیبی از تعداد استناد، شاخص هرش، تعداد مقالات تک‌نویسنده و تعداد مقالات نوسینده اول یا آخر پس از کسر خوداستنادی‌ها، امتیازدهی و مرتب شده‌اند.

همچنین رتبه افراد در ۲۲ شاخه علمی و ۱۷۶ زیرشاخه نیز محاسبه شده است. نتیاج این پژوهش، طی دو مقاله در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰ ۲۰ در نشریه معتبر PLOS BIOLOGY منتشر شده است. در مقاله دوم که با عنوان Updated science-wide author databases of standardized citation indicators در اکتبر ۲۰۲۰ منتشر شده، مقالات نمایه شده در سال جاری نیز لحاظ شده است.

## درختکاری به مناسبت روز جهانی معلولین در سیراف



به مناسبت ۱۳ آذر ماه روز جهانی معلولین، با حضور شهردار سیراف، مدیر پایگاه میراث فرهنگی سیراف و مدیر عامل انجمن معلولین شهرستان کنگان کار زیبای درختکاری در پایگاه میراث فرهنگی سیراف انجام شد.

در این مراسم که گردشگرانی نیز حضور داشتند تعدادی درخت بومی کاشته شد و از زحمات محمدکنگانی مدیر موسسه سیراف پارس موزه و مدیر عامل انجمن معلولین شهرستان کنگان با این کار فرهنگی تجلیل به عمل آمد.

## بازداشت جوان حیوان‌آزار در بوشهر

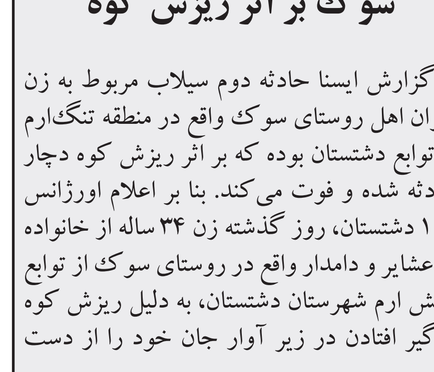
ایسنا/بوشهر دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان بوشهر از بازداشت جوان حیوان آزار خبر داد و گفت: متهم جهت انجام تحقیقات لازم در اختیار ضابطین قرار گرفت.
علی حسن پور، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان بوشهر خاطرنشان کرد: پس از اعلام گزارش اداره محیط زیست بوشهر علیه شخصی که در یکی از مناطق بوشهر اقدام به حیوان آزاری کرده بود و کلیپ آن را در فضای مجازی منتشر کرده بود، متهم در روز جاری پس از ارجاع موضوع به بازپرسی شعبه هفتم دادسرای عمومی بازداشت و جهت انجام تحقیقات لازم در اختیار ضابطین قرار گرفت.
طی ساعات گذشته، فیلم از یک حیوان‌آزاری بسیار دلخراش در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود که افکار عمومی را به شدت مشوش کرده به گونه‌ای که کاربران مصرانه خواستار محاکمه عامل این حیوان‌آزاری هستند.
در این فیلم که در حوالی روستای چاهکوتاه در نزدیکی بوشهر ضبط شده است، فرد متخلف یک سگ ماده را تا گردن زیر خاک دفن کرده و مکررا با موتور از روی سر حیوان نگون‌بخت که از خاک بیرون مانده رد می‌شود. زوزه‌های دلخراش این سگ هنگامی که چرخ موتور بارها روی سرش فشار داده می‌شود دل هر شنونده‌ای را به درد می‌آورد.
این حیوان‌آزاری بیمارگونه، اما به همین جا ختم نمی‌شود، فرد متخلف که ظاهرا جوانی ۱۷ ساله از اهالی منطقه است علاوه بر آزار این ماده سگ، ۵ توله این حیوان را زیر خاک زنده به‌گور می کند.

## سقوط در دره فصلی و غرق شدن زن جوان

به گزارش ایسنا قربانی حوادث سیلاب در دشتستان زن جوانی بوده که بر اثر سقوط در یکی از دره‌های فصلی برازجان غرق شده و جسد او چند ساعت بعد توسط نیروهای هلال احمر شناسایی و کشف می شود. غلامرضا حاجیانی عصر روز گذشته در این باره به ایسنا گفت: متاسفانه ظهر روز یکشنبه ۱۶ آذرماه و در پی بارندگی شدید در مناطق مختلف استان بوشهر، اطلاع دادند که در شهر برازجان و در نزدیکی یکی از کارخانه‌ها، خانمی در آب غرق شده است. پس از چند ساعت جستجو، جسد پیدا و هویت آن مشخص شد که یک خانم ۳۵ ساله بوده که متاسفانه بر اثر سقوط در یکی از دره‌های فصلی و غرق شدن جان باخته است.
وی همچنین اظهار کرد: در پل کلل، در نزدیکی شهر آبپخش از توابع شهرستان دشتستان نیز یک دستگاه پراید دچار مشکل شده بود که خوشبختانه با کمک به موقع نیروهای امدادگر این حادثه تلفات جانی نداشت.

## مرگ زن جوان در روستای سوک بر اثر ریزش کوه

به گزارش ایسنا حادثه دوم سیلاب مربوط به زن جوان اهل روستای سوک واقع در منطقه تنگ‌ارم از توابع دشتستان بوده که بر اثر ریزش کوه دچار حادثه شده و فوت می کند. بنا بر اعلام اورژانس ۱۱۵ دشتستان، روز گذشته زن ۳۴ ساله از خانواده ی عشایر و دامدار واقع در روستای سوک از توابع بخش ارم شهرستان دشتستان، به دلیل ریزش کوه و گیر افتادن در زیر آوار جان خود را از دست



داد. نیروهای اورژانس تنگ ارم به همراه پرسنل بخشداری و شهرداری و نیروهای مردمی به محل حادثه اعزام و از مسیر جاده صعب العبور ۴۰ کیلومتری به طرف روستای سوک که جاده خاکی بوده حرکت می کنند.
البته نیروهای امدادگر بخشی از مسیر را بدون آمبولانس و پیاده طی می کنند که پس از رسیدن به محل حادثه بلافاصله عملیات نجات مصدوم و اقدامات حمایتی درمانی اولیه انجام شده اما متاسفانه زن حادثه‌دیده به دلیل ترومای شدید فوت می کند.

دیدار با استاد ایرج صغیری گنجینه‌ی هنری بوشهر (۳)؛

# پای اصلی تمامی آثار من در واقعیت بوده است

گفت وگو از: «زهره عرب» و «جواد متین»




– شما در محله شِکَری به دنیا آمدید که تقریباً یک مَحیط شبه روستایی داشته، این محیط چه قدر در شکل‌گیری افکار شما و بعدها در آثار شما موثر بوده است؟
– خیلی موثر بوده، چند روز پیش با بچه‌ها صحبت می کردم و گفتم آرزو دارم امکانی پیش بیاید که من بتوانم فضای بوشهر، مخصوصا اطراف شکری را مثل قبل‌ها بسازم. مانند وقتی که مثلا هفت سالم بود... دنبال پرنده‌ها دویدن، دنبال سگ رفتن. زیرا من عاشق سگ بودم. سگ‌هایمان اسم داشتند و خیلی دوستشان داشتم و با آنها بیرون می‌رفتم. پدرم یک اسب داشت که با آن اسب خیلی اُخت بودم. در عمارتی که ما بودیم، ساختمان کهنه‌ای متعلق به آقای طبیب بود که آن را به پدرم سپرده بود تا مراقب نخل‌ها و درخت‌ها باشد و بعد هم پدرم آن را خرید. اصلا تمام رویاهام چه در خواب و چه در بیداری همان خانه و همان درخت‌ها و پرنده‌ها است، حتی اینها را در خالو نکیسا نوشته‌ام. از اول کار که شروع کردم نوشته‌ام ما در یک عمارت زندگی می کردیم، عمارت که چه عرض شود لاشه یک عمارت. چیزهایی هست که حتی به متافیزیک نزدیک می شد. پدر و برادرم تعریف می کردند. ما یک سگ کوچک داشتیم به نام "چیلو"، چون پدرم ضد انگلیسی بود و چیلو هم مخفف چرچیل است، یعنی این قدر از انگلیسی‌ها نفرت داشت. حالا تمام آن الِمان‌ها و عناصر در ذهن من زنده هستند. صد درصد فضای آن روزها در من تاثیر گذاشته است و اگر امکانش بود تمام شکری را می‌خریدم و مثل سابق و هفتاد سال پیش خودم درست می کردم.

### آدم‌هایی که تعریف می‌کنم را دیده‌ام

– پس تمام قصه‌ها و روایت‌ها از همنشینی با دریا و جنوب و محل زندگی و زاده شدنتان آمده است؟
– بهتر است این گونه بگویم که تمامی آثار من چه سینمایی، چه تئاتری، چه قصه و رمان و چه شعرگونه‌ها، پای اصلی همه اینها در واقعیت بوده است. من همه اینها را گذرانده‌ام و یا ناظر بوده‌ام و آدم‌هایی که تعریف می کنم را دیده‌ام. گاهی اوقات به ضرورت قصه، اینها را به خودم نزدیک کرده یا خودم را تبدیل به قهرمان کرده‌ام.
*از دغدغه‌های الان خود بگویید. یکی از کارهای شما «قلندرخونه» بود که در آن دغدغه‌های قشر کارگر را داشتید که هنوز هم اینها وجود دارد و به کارگران ظلم می‌شود و اعتراض هم که می کنند صدایشان شنیده نمی‌شود. هنوز هم آن دغدغه‌ها ادامه دارد یا به روز شده است؟ هنوز به آن مشکلات فکر می کنید یا دغدغه‌هایتان مدرن شده و چیزهای دیگر برایتان مهم شده است.
مسلم است که چون جامعه و محیط بوشهر نیز متناسب با توسعه جهان پیشرفت کرده و در پیچیدگی‌های پیشرفت و توسعه تمدن و فرهنگ یک تغییراتی هم اینجا رخ داده است که متناسب با آن احساساتمان و دغدغه‌هایمان، علایق و کینه‌ها، هم تغییر می کند و من هم همینطور. اما یک چیزی هم بگویم اغلب به من می گویند تو کهنه‌پرست هستی و آثارت بیشتر مربوط به گذشته است.
*شاید چون شما از تعزیه شروع کرده‌اید یعنی این علاقه، فعالیت‌های شما و عمری که در راه تئاتر و نویسندگی گذرانده‌اید به گونه‌ای خمیرمایه آن از تعزیه بوده است؟
در مورد بُن و ریشه تئاتر، شما به عنوان واقعیت به تاریخ هم نگاه کنید، یونان، هند و مصر کشورهای اولیه‌ای بودند که تئاتر در آنها به وجود آمده که در یونان اسناد بیشتری از اسطوره‌های مصری وجود دارد. متناسب با تحولات اجتماعی و تکنیکی جهان هم تغییر می کند و یونان هم همان گونه تغییر کرده است ولی اسناد خیلی با ارزشی از تئاتر در یونان وجود دارد و مطمئن باشید که نمونه این اسناد در ایران هم بوده است. الان در هند، مصر و در بعضی جاهای دیگر هم وجود دارد که البته یونان زنده‌ترین نمونه‌های تاریخی و سندی را دارد. اصلا نگاه کنید که آیین چگونه و چرا به وجود آمده است، اگر بتوانید پاسخ خود را بدهید همان است. تئاتر، شکلِ پیشرفته و توسعه‌یافته‌ی آیین است، حتی در ابتداییِ‌ترین صورت‌های بازی‌ها. "گلی گلینا"، "شیخ زنگی"، " سویل(سبیل) پلنگی مه ول کن"، و... این‌ها همه آیین‌هایی است که بن‌مایه تئاترهای امروزی هستند.
*در خیلی از نقاط یک تعزیه را به حالت کاملا سنتی فقط اجرا می کنند یا مثلا می گویند فلان نقش بازیگر ندارد شما بیا بازی کن و به این نگاه نمی کنند که آیا آن فرد می‌تواند نقش را خوب دربیاورد یا نه. یا این طور نیست که متن داشته باشند. به نظر شما تعزیه یا هر آیین دیگری که قرار است اجرا شود باید کارگردانی شود و دقیق مانند تئاتر که متن دارد و یک نفر کارگردانی می کند همه چیز کاملا تمرین شده و برنامه‌ریزی شده باشد. چقدر به این اعتقاد دارید که می‌تواند به تاثیرگذاری آن کمک کند؟
تئاتر در عمر طولانی خود شکل و شیوه‌های گونه‌گونی برای اجرا برگزیده است تا آن جا که اجرای یک نمایش مشخص مثلا «رومئو و ژولیت» در زمان شکسپیر که خالق آن بود یک جور اجرا شد (تقریبا همان طور که شما می گویید) در قرن پیش همسرِ برشت همین نمایش را به شکلی کاملاً متفاوت اجرا کرد؛ چه در محتوا و چه در فرم. هر دو اجرا ارزش‌های خود را داشتند، ارزش هایی برگرفته از روزگار خود، جامعه، تحولات تکنولوژی و سایر تغییرات. بنابراین تعزیه هم یک روال مشخص و غیر قابل تغییر ندارد و بستگی به عوامل گونه گون اجرا می شود.
ببینید ما به چیزی می گوییم تعزیه که شاخص‌های ویژه‌ای داشته باشد، اگر آن‌ها را نداشته باشد دیگر تعزیه نیست و چیز دیگری است. تعزیه مرحله‌ای از توسعه‌ی آیین به تئاتر و سینما است، این‌ها پیشرفت کرده‌اند و یک مرحله از تئاترِ هستند یعنی تعزیه در ابتدا به این شکل نبوده. مثلاً در یونان نمونه‌های آن هم هست که ابتدا در سال‌های آبادی که کشاورزی خیلی رونق داشته است مردم تصور می‌کردند نیروهای ناشناخته‌ای به آنها کمک کرده‌اند تا ثمره کشاورزی‌شان خوب باشد و از این لحاظ با نشان دادن شادی و شادمانی از خدای خودشان تشکر می کردند. مثلا "باکوس" خدای شراب، یا "هِرکول" خدای جنگ و انواع خداهای دیگر. این آیینِ‌ها در روزهای ابتدایی چیزی نبودند، دیالوگی نبود و عملیات و اکشن خاصی نداشتند اما رفته رفته شکل گرفتند. همین گونه نمایش را در ایران خودمانِ هم داشتیم که مقدمه‌ی پیدایش تعزیه بود و آن را کُتل یا کُتلی می‌نامیدند، مثلا در یک سالی تشکر از خدای انگور را به صورت شعرگونه در آوردند. چند سال بعد شروع به ساختن شعرهای قافیه‌دار کردند و چند سال بعد شروع به سوال و جواب کردند که یکی را به جای خدای انگور گذاشتند که جواب می‌داد و می گفت: «بله چون شما رفتارتان خوب بود من هم به شما برکت دادم، اگر هر سال این کار را بکنید همین پاداش را دریافت می‌کنید، اما اگر کارهای ناجور بکنید چنین چیزی نیست.» رفته رفته این‌ها تبدیل به یک قصه شد. البته هزاران سال طول کشید نه در طی مدت زمانی کم. این شکل پیشرفت و توسعه آیین به تئاتر است تا رسید به آن جا که شکسپیر و بقیه، آثار کلاسیک و مدرن را به وجود آوردند.
منبع: ایسنا

چرا کتاب نمی خوانیم

## نداشتن چشم انداز مثبت به آینده

مینا درعلی - کارشناس ارشد ادبیات نمایشی



دلایل زیادی برای کتاب نخواندن مردم ما هست که می توان به شکلی جدی مورد بررسی قرار گیرند، اما از آنجایی که قرار بر پرداختن فقط به یک موضوع است باید به اساسی ترین آنها پرداخت که آن هم از نظر نگارنده باید گفت که یکی از مهم ترین علت کتاب نخواندن ما ایرانی ها عدم داشتن چشم انداز مثبت به آینده است، حال این آینده می تواند سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی باشد.
مردم ما در برهه ای سخت زندگی می کنند، برهه ای که هیچ نیازی جز گذران روزها را ندارند و فقط در فکر روزمرگی این روزها و تامین معیشت و یافتن راهی برای ساده تر کردن زندگی هستند.
آنها آینده را راهی برای بهتر زیستن نمی دانند و نوعی ناامیدی فردی و اجتماعی گریبان آنها را گرفته است و راه گذار از این ناکامی را در خواندن کتاب نمی بینند زیرا که هیچ الگوی مثبتی در این زمینه وجود ندارد و الگوهای غربی و شرقی هم این روزها برای این جامعه هیچ گونه کاربردی ندارد.
نسل فعلی فکر نمی کنند که می توانند در شکل گیری آینده نقش موثری داشته باشند، از این رو خود را در یک چهار دیواری بی تفاوتی نگه داشته اند و گویی نمی خواهند بیشتر از این تغییر کنند یا اصلا بدانند یا آینده را به گونه ای دیگر ببینند یا بشناسند.
زمانی الگوهای قهرمانی های جاه طلبانه اغلب در کتاب ها ساخته و پرداخته می شد و مردم با خواندن کتاب ها و همذات پنداری ها می توانستند راه برون رفت از مشکلات و کلاف های پیچیده در هم و تنیده شده در زندگی را تجربه کنند و در زندگی چون الگویی راه گشا از آن بهره ببرند، اما نسل امروز با توجه به مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی و کم حوصله بودن فرهنگی و تحت تاثیر پدیده های قرن بیستم و بیست و یکمی الگوهای خود را در فضاهای مجازی می بینند و می خواهند با حضور در این فضاها بخش عمده ای از ناکامی های خود را زندگی کنند.
امروزه ذهن های تربیت شده به سمت راحت طلبی و یافتن پاسخ های ساده و راه های بی دردسر و سر راست برای حل مشکلات و حس لذت جویی رخوت گرانه دارند. دیگر آن روحیه جستجو گرانه در آدم های امروزی کم رنگ تر شده و کم تر میبینیم که نسل های امروزی ذهن خود را به چالش های جستجو گرانه بیندازند و در صدد این باشند که با صرف ساعت های زیاد مطالعه زندگی خود را نقش بزنند، آنها در صدد خلاصه طرح های ارائه شده و رسیدن به دنیای واقعی از راه دنیای مجازی اند، چیزی که به آنها اطمینان شبیه شدن به جامعه پیش رو را می دهد.
به هر حال اگر قرار است که اتفاقی در راستای کتابخوانی های اصولی در جامعه امروزی بیفتد، نیاز است که طوفانی در راستای اقتصاد و فرهنگ زندگی و نقش مردم در ساختن آینده شان وزیدن گیرد تا حس باور پذیری مردم پررنگ و نیازیافتن الگوهای موثر در مردم بیشتر شود و باز هم مردم برای یافتن و تجربه زندگی بهتر لابه لای کتاب ها را جستجو کنند و ترس از هم رنگ نبودن و تفاوت داشتن در جامعه از میان آنها رخت بر بندد.
و اما چه کتابی را برای خواندن پیشنهاد می دهم ،همه کتاب ها ارزش خواندن را دارند، اما از میان رمان ها، رمان دلبند اثر تونی موریسون را پیشنهاد می دم چون در زندگی من اثر ماندگاری گذاشت و در انتهای شب اثر سلین که به من یاد داد که عمیق تر به مسایل بیندیشم.

شهردار بوشهر:

## برنامه شهرداری بوشهر اجرای طرح‌های نیمه تمام است




شهردار بوشهر گفت: احداث گذر سرتل –نیروگاه اتمی به عنوان یکی از مطالبات مهم شهروندان محله‌های جنوبی این شهر مجوز شورای ترافیک را دریافت کرد.
حسین صالحیان در گفت و گو با ایرنا افزود: بزودی مجوز نهایی آن در کمیسیون ماده پنج شهرداری نیز صادر و پیش بینی می‌شود در مدت ۴۵ روز آینده عملیات اجرایی آن آغاز شود.
وی بیان کرد: این پروژه از دیرباز از مطالبات شهروندان مناطق جنوبی شهر بوشهر به شمار می‌رود که اجرای آن کمک خوبی به رونق این مناطق محسوب می‌شود.
اواخر تابستان امسال نیز با اعلام استاندار بوشهر ۱۳۰ میلیارد ریال اعتبار از محل اعتبارات ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات پاسخ به بحران برای احداث این گذر اختصاص یافت.
صالحیان ادامه داد: همچنین آسفالت کوچه‌های خاکی شهر بوشهر نیز در سال جاری ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار دارد که پیش بینی شده تا پایان امسال ۳۵ تا ۴۰ کوچه آسفالت شود.
وی افزود: در برنامه شهرداری بوشهر اکنون اجرا طرح‌های نیمه تمام از جمله تقاطع سردار سلیمانی در اولویت اجرا قرار دارد.
صالحیان یادآور شد: برای اجرا این پروژه با توافق صورت گرفته با پیمانکار و پرداخت بدهی‌ها روند اجرا آن شتاب گرفته است. برای احداث این پروژه که در مقطعی تنها یک فرد آن هم برای نگهبانی از تاسیسات فعالیت می‌کرد به زودی با افزایش ظرفیت نیروها روند اجرا آن شتابان‌تر می‌شود.
صالحیان ادامه داد: شهرداری بوشهر در زمان حاضر هشت پروژه مهم عمران شهری در دست اجرا دارد که براساس برنامه‌زمان بندی روند احداث آن دنبال خواهد شد.
وی اظهار کرد: بودجه شهرداری بوشهر در سال جاری ۳۰۰ میلیارد تومان است که از این میزان ۶۰ درصد در حوزه جاری و مابقی در حوزه عمرانی هزینه می‌شود.
شهردار بوشهر یادآور شد: با توجه که بودجه امسال شهرداری بوشهر از سال گذشته بسته شده شهرداری باید براساس برنامه تدوینی عمل کند زیرا ظرفیت لازم برای تغییر برنامه‌ها وجود ندارد و با این شرایط باید پروژه‌های نیمه تمام را در دستور کار قرار داد.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر:

## سهم بوشهر از لایحه بودجه سال آینده ۶۸ هزار میلیارد ریال است



بوشهر- ایرنا- رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر گفت: براساس پیگیری‌های به عمل آمده سهم این استان در لایحه بودجه سال آینده ۶۸ هزار میلیارد ریال تعیین شده است.
به گزارش ایرنا، روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر روز جمعه به نقل از علی درویشی افزود: ۶۵ درصد از این رقم بودجه‌ای سهم این استان در بخش هزینه‌ای و پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت منظور شده‌است و ۳۵ درصد مابقی نیز در قالب اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای صرف تکمیل طرح‌های عمرانی می‌شود.
وی اضافه کرد: در سال جاری سهم درآمدهای استانی از بودجه با رقم ۵۱ هزار میلیارد ریال در مجموع یکهزار و ۶۷۰ هزار میلیارد ریال معادل ۳ درصد است، این در حالی است که با پیگیری انجام شده برای کاهش تعهدات استان بوشهر در سال آینده این سهم به ۲.۷ درصد از ۲ هزار و ۱۲۰ هزار میلیارد ریال کاهش یافته است.
درویشی گفت: درآمد پیش بینی شده در لایحه بودجه سال آینده ۵۸ هزار میلیارد ریال است و در صورتی که استان درآمد بیشتری وصول کند بخش قابل توجهی از آن در قالب ردیف مازاد درآمد به این استان ابلاغ می‌شود.
دبیر شورای راهبری و توسعه مدیریت استان بوشهر ادامه داد: همچنین اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی استانی از سه هزار و ۲۷۷ میلیارد ریال به پنج هزار و ۹۸ میلیارد ریال رسیده‌است و بالغ بر ۵۵ درصد رشد داشته است.
وی با اشاره به افزایش قابل ملاحظه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان بوشهر در لایحه بودجه گفت: در سال جاری از ردیف‌های مندرج در جدول استانی قانون بودجه سال ۱۳۹۹ اعتباری معادل هفت هزار و ۳۷۵ میلیارد ریال به استان اختصاص یافته بود و این رقم با افزایش قابل ملاحظه‌ای معادل ۲۳۷ درصد به ۱۷هزار و ۹۸۰ میلیارد ریال رسیده است.
درویشی افزایش اعتبار طرح‌های ملی مندرج در قانون بودجه سال جاری علاوه بر اعتبارات استانی را نشات گرفته از همراهی استاندار، نمایندگان مردم استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی و مدیران کل دستگاه‌های اجرایی دانست و تاکید کرد: اصحاب رسانه با انعکاس نیازمندی‌ها، حساسیت‌ها و دغدغه‌های مردم این استان بر وضعیت پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها و انتظاراتی که از مسئولان برای پیگیری تامین اعتبار آنها داشته‌اند نقشی بسیار مهم در این زمینه ایفا کردند.

## تقدیر از داوطلبان جمعیت هلال احمر استان بوشهر به مناسبت روز جهانی داوطلبان



به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان بوشهر، جلسه ای با حضور مدیر عامل، معاون داوطلبان، دفتر نمایندگی ولی فقیه و اعضای منتخب داوطلب شهرستانی در سراسر استان در سالن کنفرانس جمعیت هلال احمر استان برگزار شد.
دکتر غلامرضا حاجیانی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان بوشهر در جلسه تقدیر از نمایندگان داوطلبان سراسر استان گفت: جمعیت هلال احمر سازمانی غیردولتی عام المنفعه است که کمک های دریافتی از خود مردم گرفته می شود و به خود مردم تحویل داده می شود، هیچ چیزی بالاتر از کمک به همنوع نیست و جمعیت هلال احمر وجودش به داوطلبان بستگی دارد.
وی تصریح کرد: ما همواره بر اساس اصول و اهداف در سوانح و بحران هاحرکت می‌کنیم و هیچ گونه موانعی در روند کار های داوطلبانه تاثیر نمی گذارد همان طور که با شروع تکثیر ویروس کرونا در کشور داوطلبان جمعیت هلال احمر با حضور گسترده در مبادی ورودی شهر ها به پیشگیری و کنترل انتشار ویروس کرونا خدمت رسانی کردند.
در این جلسه هریک از داوطلبان منتخب دقایقی را به بیان پیشنهادهای خود پرداختند و تبادل نظر در مورد مسائل امور جاری داوطلبان انجام پذیرفت.

# دکترعبدالمجید ارفعی، برگرداننده گل نبشته های باستان

دکتر محمود دهقانی



دکتر عبدالمجید ارفعی برگرداننده منشور کورش به زبان فارسی و ایلام شناس برجسته، زاده ی ۹ شهریور ۱۳۱۸ کوه گنو بندرعباس، از پدر و مادری از شهرستان اِوَز لارستان در استان فارس است. این پژوهشگر و برگرداننده زبان‌های باستانی اکدی و ایلامی، از واپسین بازماندگان برگردان نوشتار میخی ایلامی در جهان و از برجسته ترین سنگ و گل نبشته خوانان کهن ایرانی است. برخی از گل نبشته های تخت جمشید نیز با تلاش این فرهیخته برگردانده شد. این پژوهشگر در روزگار جوانی با دلگرمی و پیشنهاد دکتر پرویز ناتل خانلری، ابراهیم پورداود و ایلام شناس برجسته دکتر"ریچارد هلک " به فراگیری زبان اکدی و ایلامی پرداخت. دکتر ارفعی در دامان خانواده اهل تسنن استان فارس پا گرفت. پدرش میر عبدالله ارفعی به گونه خیلی از مردم شهرستان اِوَز، عاشق ایران بود. عبدالمجید ارفعی به زبان بومی لارستانی یا به گونه ای که در میان مردم کوچه و بازار شناخته می شود، "اچمی" گفتگو می کند. زندگی از نوجوانی تا به امروز در تختگاه چهارده ملیون جمعیتی تهران نتوانسته گویش اِوَزی او را ساییده کند. تلاش های علمی و فرهنگی ایشان نشان دهنده از خود گذشتگی و عشق است. نه تنها ادبیات پارسی، بلکه پیشینه سرزمین نیاکانی نیز در اندیشه او ژرف بوده و ریشه دارد. گزینش نام های پارسی آرش، چیستاسریرا و سورنا برای فرزندان دلبند خود گواهی بر این مدعاست. باید به یاد داشت عبدالمجید ارفعی نه تنها برگرداننده زبان های باستانی اکدی و ایلامی بوده، بلکه زبان بومی لارستانی ایشان نیز خود بر جا مانده از روزگار باستان است. زبان لارستانی فراز و فرودهای سهمگین یورش یکی پس از دیگری بیگانگان را پشت سر گذارده ومردم با فرهنگ سراسر لارستان در استان فارس، تا به امروز با آن سخن می گویند. واژه های زبان زیبای آهنگین لارستانی پالوده ترین واژه هایی هستند که خوشبختانه به همت مردم لارستان زنده است. بخش بزرگی از استان فارس از جمله شهرستان هایی چون لار، اوز، خنج و شهرستان گراش زادگاه دکتر احمد اقتداری در استان فارس و شهرستان بستک در استان هرمزگان همراه با شمار بسیاری شهرو شهرک با آن سخن می گویند. زبان زیبای لارستانی همچون قله های دماوند، دنا و البرز پس از توفان های از سر گذرانده، بی گزند بر جا مانده و خوش می درخشد. نه تنها بندر لنگه و بندرعباس، بلکه واژه های زبان لارستانی در روستاها و شهرها ی بوشهر وشهرستان کازرون نیز پراکنده است.

دکترعبدالمجید ارفعی از بیله ی میران اِوَز، برادر فیزیکدان ایرانی دکتر حسام الدین ارفعی، شادروان دکتر عبدالحمید ارفعی دندانپزشک، و احمد ارفعی شیمیدان، فرزندان میر عبدالله ارفعی می باشند. میر عبدالله به تحصیل فرزندان بسیارعلاقمند بود و آنان را به دانش و درس دلگرم می نمود. یکی از سالمندان اِوَز، شادروان محمدرسول خضری(گندی) بر این باور بودند که خانواده ارفعی از دیرباز در هوش و خرد پرآوازه بوده اند.

عبدالمجید ارفعی در شهرهای بندرعباس و یزد درس خواند. در سال ۱۳۲۸ همراه خانواده به تهران کوچ کرد و در دبیرستان های منوچهری و البرز تهران درس را ادامه داد. در روزگار دانش آموزی در مدرسه البرز شادروان دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی دانش آموخته دانشگاه سوربن پاریس و پسر خواهر رضا رادمنش از اعضای برجسته جنبش چپ ایران، مدیر مدرسه پرآوازه البرز بود. شادروان مجتهدی پس از آن پایه گذار دانشگاه صنعتی و رییس دانشگاه ملی و دانشکده پلی تکنیک تهران شد.

ارفعی پس از پایان درس در دبیرستان البرز، با وارد شدن به دانشگاه تهران در رشته ادبیات پارسی دانش آموخت. آثار ابراهیم پورداود و کارنامه اردشیر بابکان محمد جواد مشکور جرقه علمی را در پله های نخست جوانی ارفعی شعله ور ساخت. سرانجام برای ادامه درس به ایالات متحده امریکا رفت و در دانشگاه شیکاگو آن کشور، بیش از ۸ سال شاگرد دکتر "ریچارد هلک" از برجسته ترین پژوهشگران خط شناس ایلامی و اکدی بود. نبوغ این جوان لارستانی، رییس دانشگاه و دانشکده و بویژه دکتر "ریچارد هلک" را به تحسین واداشت. همان گونه که گفته شد دکتر پرویز ناتل خانلری از دوستداران و دلگرمی دهندگان این دکتر جوان اِوَزی تبار بود. عبدالمجید ارفعی پس از دفاع پایان نامه دکترای خود به ریاست شادروان دکتر "هلن منتور" دانشمند سرشناس، در ۱۳۵۳به ایران بازگشت.

در روزگار پس از انقلاب دکتر ارفعی هر از گاهی برای پژوهش دانشگاهی روانه تخت جمشید می شد. آقای منصور فقیهی نژاد نیکوکار اِوَزی، در فرصت های نوروز و دیدارهای فرهنگی با برپایی مراسم و جشن ایشان را به دانشگاه ها و مجامع فرهنگی استان فارس بویژه شهرستان اِوَز، دعوت می کرد. پس از آن دکتر ارفعی به موزه مردم شناسی این شهرستان و شهرستان های خنج و لار و گراش می رفت. نه تنها به آثار باستانی از جمله دژ اژدها پیکر لار،آتشکده آذر فرنبغ کاریان بخش جویم، بلکه به چهار تاقی محلچه، دژ و باروهای دهستان "کهنه" (در زبان



پهلوی دژ) در ۱۶کیلومتری بخش مرکزی شهرستان اِوَز، سر می زد.

مردم لارستان از شیعه و سنی برای فرزند دانشمند خود ارج و ارزش ویژه ای قایل هستند. پروفسورعبدالمجید ارفعی با پوشش شال و قبای بومی و کلاه دوگوش قشقایی در جشن های فرهنگی شرکت می جست و مردم را به دلبستگی به سرزمین کهنسال خود فرا می خواند. فرهنگ دیرپای آبایی لارستان جزیی از زندگی او بوده و با خوردنی های بومی، شیرینی مسقطی لاری و خوراک دلچسب دریایی "مهوه" (مهیاوه) اِوَزی با لیموی تازه و نان تفتون جوانان لارستان را شگفت زده می کرد. با گفتار خود آگاهی داشتن از پیشینه سرزمین کهنسال ایران را به جوانان گوشزد می نمود. از این رو شخصیت این فرزانه سمبل تلاش علمی و فرهنگی جوانان دانشجو ی سراسر ایران و لارستان استان فارس است. در کشورهای آن سوی آب بویژه شهر دوبی لارستانی ها که شمارشان کم نیست در برنامه های فرهنگی هر کجا نامی از پیشینه سرزمین کهنسال خود به میان می آید، از تلاش این دانشمند اِوَزی در رسانه های نوشتاری، شنیداری و تصویری با ارج و ارزش یاد می کنند.

پروفسور ارفعی در بازگشت گل نبشته های روزگار هخامنشی ایران که پیش از زاده شدن ایشان به دانشگاه شیکاگو برای مطالعه برده شده بود، تلاش بسیار نمود تا آن ها را به کشورمان بازگرداند. دانشگاه شیکاگو با شناختی که از هوش و آوازه این دانشمند داشت، جایگاه علمی پروفسور ارفعی را به سیاست بازان خودخواه امریکا، یادآور شد و آن ها سرانجام پذیرفتند تا گل نبشته ها را به ایران پس بدهند. ایشان برخی از این گل نبشته ها را روزگار دانشجویی در دانشگاه شیکاگو برای دکتر "ریچارد هلک" به انگلیسی برگردانده بود.

دانشگاه های سراسر ایران و دانشگاه های لارستان برای ارج و دلگرمی دانشجویان خود از دکتر ارفعی برای دیدار فرهنگی علمی دعوت می نمودند. دکتر علی دهباشی مدیر و سردبیر مجله وزین بخارا به پاس کارهای علمی این اندیشمند شب عبدالمجید ارفعی با سخنرانی دکتر کتایون مزداپور، عباس علیزاده، علی بلوکباشی، مهناز گرجی، پروین ثقه الاسلامی، حمیده چوبک، احمد محیط طباطبایی همراه با نمایش فیلم مستند برگزار نمود. شب عبدالمجید ارفعی صد و ششمین شب های بخارا با همیاری فرهنگی هنری ملت، دایره المعارف بزرگ اسلامی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و گنجینه پژوهشی ایرج افشار برگزار شد و در رسانه های درون و خبرنامه دانشنامه های برون مرز بازتاب یافت.

دکتر علی دهباشی در گفتار شب عبدالمجید ارفعی بخارا، گفت: "... تمام صفحات آثار ایشان برگ های زرینی است که برای غنای فرهنگ ملی ایران جایگاه ویژه ای دارد... حاصل مطالعات ایشان برای خیل عظیم پژوهشگران، ایران شناسان و زبان شناسان در ایران و جهان مرتبه و جایگاه خودش را دارد و همه از آثارشان بهره مند هستند ".

نام دکتر عبدالمجید ارفعی در گستره زبان شناسی و باستان شناسی دانشگاه های جهان زبانزد است و در دانشنامه ها از پژوهش های علمی ایشان بهره می گیرند. نه تنها در شهرهای ایران، بلکه در شهرهای آن سوی شاخاب پارس بویژه در دوبی نیز رسانه های فرهنگی نوشتاری، گفتاری و تصویری در گردهمایی ها و برنامه های خود از دکتر ارفعی یاد می کنند. شاعر ایرانی بانو سیلوانا سلمانپور از همشهریان اِوَزی دکتر ارفعی که سرپرستی رادیوی فارسی و انجمن حافظ دوبی را بر عهده دارند برای جامعه فرهنگی فارسی و عربی دوبی از پیشینه ایران و پژوهش های دکتر ارفعی سخن می گوید. مهندس هادی صدیقی شعری بلند از بانو سلمانپور را که برای دکتر ارفعی سروده شده ، در بزرگداشت شب بخارا در تهران به پاس جایگاه علمی این اندیشمند خواند که بریده ای از آن شعر چنین است:

... در رهگذار علم و هنر /با فروغ جان/چون عارفان سالک حق جوی حق پناه/از رهروان علم و ادب یاد می کنند/ امشب ستاره ای پرتوفشان جمع شریف ستاره هاست/این تابناک پاک درخشان، تمام عمر/ از گل نبشته ها صد " دل نبشته " ساخت ...

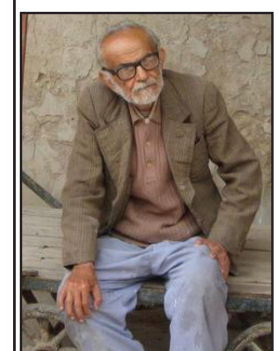
پروفسور عبدالمجید ارفعی در سن ۸۱ سالگی با ابتلا به کرونا از دوم آبان ماه ۹۹ در بیمارستان مسیح دانشوری تهران بستری شده است و دوستداران تاریخ، فرهنگ، باستان شناسی و زبان شناسی ایران و سراسر جهان دلواپس تندرستی این دانشمند پرآوازه می باشند. برای این فرزند شایسته ایران و همسرش ماه سیما فاتحی که هر دو در بیمارستان بستری هستند، آرزوی بهبودی کنیم.

---

## خاطرات شادروان عبدالرسول جمالی تنگستانی (۱)

# چگونگی آمدن به بندر بوشهر

به کوشش محمد علی بختیاری



من سنه ۲۳ وارد شهرداری شدم. تقریبا ۶ کلاس گرفته بودم از مدرسه فردوسی (دبستان فردوسی) آن موقع صبح و عصر مدرسه می رفتیم. از مدرسه خاطراتی داشتیم. وقتی از تنگستان آمدیم که پدرم رحمت خدا رفت.

عمویی داشتیم بنام عباسعلی سلحشور رییس پست بوشهر بود. من کوچک بودم سه ساله بودم. دو تا الاغ کرایه کرده بودیم. زمستان سردی بود. من خسته می شدم سوار الاغم می کردند باز پیاده می شدم. به هر حال شب آمدیم عالی چنگی اتراق کردیم. من گریه می کردم. در عالی چنگی شب که همینطور خوابیده بودم صدای جیق جیق چاهاب حاصلکاری ها رو می شنیدم. خاطراتی داشتم. سیدی بود بنام سید گورکی. خیلی احترام مردم می گذاشت. مردم راه می داد. شام می داد. خوراک می داد. به من محبت می کرد. می گفت یتیم است. خدا برایش بسازد. صبح راه افتادیم. پیاده بود. با الاغ بودیم. راه خراب بود. شل و گل بود. آمدیم بوشهر غروب بود. رسیدیم جبری. کاروانسرایی بود بنام کاروانسرای علیباش. آنجا اتراق کردیم. هیچ چیز نداشتیم بخوریم. نان و خرمایمان هم تمام شده بود دو نفر یکی عبدالحسین یکی عزیز نعمتی مردم صحرا بودند. مادرم رفت شهر که برای من گرده ای، خرمایی، نانی بیاورد. ما در کاروانسرا بودیم. علیباش آدم خوبی بود. از ما پذیرایی کرد. من نمی دانستم مادرم خلخال پایم را برده و می‌خواهد بفروشد. چون بچه آخری بودم برام احترام قائل بودند برام یک خلخال نقره ای خریده بودند. مادرم هیچی نداشت. ما آن جا از ترس دشمن و دشمنی آمده بودیم. صندوق ها همه چیز آنجا ول کرده بودیم.

مادرم خلخال برده بود که بفروشد دم دروازه پاسبان جلویش می گیرد که تو خلخال از پای بچه مردم درآورده ای! میگوید والله بالله ما جایمان توی کاروانسرای فلان جاست. مجبور شدم که بفروشمش.

ما هم منتظر بودیم که مادر بیاید حالا بیاید ساعتی دیگر برایمان نان و خرمایی بیاورد. پاسبان وارد شد با مادرمان.

علیباش رفت جلویش گفت: ای عامو چه مسخره ای درآورده ای. ایناها! این بچه فهمیده که خلخال اش را برده اند بفروشند دارد گریه می کند. حالا خلخال اش دست تو هست بدتر سرش می یآد. این چه کاریه؟!

پاسبان گریه اش گرفت یه قران آن وقت داد به من. یه قران خیلی بود. یک ریال ده تا دانه نان میشد. بعد تأیید کرد و مادرم را برد شهربانی و شهربانی هم بهش ترحم کرده بودند. گفته بودند برو اشکال ندارد.

مادرم خلخال را یک تومان فروخت. من ناراحت شدم که خلخالم را فروخت. آن زمان ۳ ساله بودم. خوب یادم است. من از توی مختک (گهواره) هم چیز به یاد دارم! بطور کلی که به مادرم می گفتم تعجب می کرد. فروخت و آمد تا نان آورده و خرما و سبزی آورده. علیباش هم کرایه از ما برنداشت.

یکی از اخوی ها ابراهیم که توی شهرداری بود رفت خبر به سلحشور داد. ما آمدیم اینجا. صبح زود سلحشور آمد و ما را برد به خانه ای که مال خودش بود که الان فلکه ۲۵ شهریور فلکه سه گوشی. قبله دبستان سعادت غرب دبستان سعادت ما را اسکان داد. ما اینجا زندگی می کردیم.

من ۵ سالم شد. من را فرستادند دبستان فردوسی. در مدرسه هنوز روستایی حرف می زدم. بچه ها مسخره می کردند. من را که برای ثبت نام بردند یک بچه ای هم با پدرش آمده بود. من گریه ام گرفت. چون پدر نداشتم با مادرم رفته بودم. (سلحشور آنجا بود) گریه کردم رئیس دفتر گفت چرا گریه می کنی؟ سلحشور گفت پدر ندارد. ناراحت شد از اینکه اسم پدرش پرسیدی. او ناراحت شد گریه اش گرفت گفت که نه. من از این طفل حمایت می کنم.

معلم کلاس اول آقای سید حسین بلادی مال محله بهبهانی بود. همیشه لباس سفید بر می کرد. آدم کوتاهی بود. از قومهای مرحوم سید عبدالله بود. خیلی آدم دقیقی بود. صبح که می شد دانش آموزان به صف می کرد دستهایشان می گرفت اگه یه کم ناخن ها بلند بود ایراد می گرفت. دست می کرد موی سر رو می گرفت اگه بلند بود ایراد می گرفت.

وقتی درس به من دادند من تا یک چند روزی تو شهر اصلا گیج بودم. غریبی می کردم. بچه ها مسخره ام می کردند. کله بزرگی داشتم ... آدم عجیب غریبی به نظرشان می رسیدم و می زدمشان! حمله می کردم و تو مدرسه می زدمشان. به هر حال معلم ناراحت می شد از من. من می گفتم که این درس که به من می دهید کمه دو تا درس بده تا زود کتابم تمام بشه!

می گفت این برنامه است بابا. خلاصه ما را مبصر کردند. حالا یک بچه صحرایی شده مبصر بچه های بوشهر. کجا اینها زیر بار می روند؟ خلاصه ما استیلا پیدا کردیم بر همه شان. بخاطر هوشی که داشتم بعد هم همه با من دوست شدند.

---

## نبرد مجنون (۱)

خاطره رزمنده غلامشاه جمیله ای - گناوه



اوایل سال ۱۳۶۷ جنگ ایران و عراق به مرحله حساس و دشواری رسیده بود و از فروردین ماه همان سال عراق موفق شده بود شهر مهم و شاهرگ اقتصادی خود یعنی فاو را از ایران بازپس بگیرد و در اردیبهشت همان سال شلمچه مجددا سقوط کرد و تقریبا هر ۲۰ روز تا یک ماه عراق با کمک دول شرق و غرب و حمایتهای همه جانبه کشورهای مرتجع عربی عملیات وسیعی میکرد و قسمتهایی ازخاک عراق که درطول دفاع مقدس به دست رزمندگان ایران فتح شده بود را بازپس می گرفت. متاسفانه شرایط روحی، روانی و نظامی خوبی برجبهه ی خودی حاکم نبود. در آن زمان بنده هم عضوی کوچک از گردان امام حسن (ع) ازتیپ ۱۳ امیرالمومنین(ع) بودم که در جزیره مجنون جنوبی مستقر بودیم و جزایر مجنون هم جزء خاک عراق می باشد که در عملیات خیبر فتح گردیده بود. اواخر خرداد ماه بود و دشمن بجز آتش تهیه بسیار وسیع و پرحجمی را که برای درهم کوبیدن استحکامات و فریب دادن نیروهای خودی روی جزیره مجنون که حدود یک ساعتی بطول کشید، بعد از اون تقریبا سکوت معنی داری را برجزیره حاکم کرده بود و به ندرت آتش سلاح های سنگین و نیمه سنگین بین طرفین مبادله می شد. چون هوای جزیره فوق العاده گرم و شرجی و رطوبت بالا بود و ازطرفی پشه های مشهور و بی حد و مرز مجنون بخصوص شبها تمام بدنمان را با نیشهای عقرب صفت خود تا صبح نوازش می دادند، نیروها ازکم حجمی مبادله آتش بهره می بردند و بخاطرگرمای طاقت فرسا و فرار از نیش پشه ها پشه بندهایی که درسنگرها وجود داشت را شبها روی سنگرهایی که تا نیمه در زمین حفر شده بودن و سقف آنها از پروفیل و ورقه های گالوانیزه بود وروی آنها خاکریزی شده بود نصب می کردند و ساعتی را درآنها چرتی می زدند. عصر روز پنجشنبه دوم تیر بود که دیده بانها گزارش کردن دشمن حدود دو هزار قایق را به آب انداخته و قصد حمله به جزایر مجنون را دارد. از عصر همون روز آماده باش به نیروها اعلام گردید و غروب آن روز به دستور فرمانده گردان امام حسن (ع) حسن بیژنی دوشیکاه های تمام قایقها و دوشیکای سنگرکمین بمدت نیم ساعت آتش وسیعی را هماهنگ با هم بطرف دشمن داشتیم و همه بچه ها از بعد نماز عشاء تا نماز صبح را نخوابیده و آماده در سنگرها پشت خاکریز کوچک پد گردان مستقر بودم تا این که به دستور فرمانده آماده باش موقتا و تا اطلاع ثانوی لغو و بچه ها مشغول نماز صبح شدن. بعد از ناهار روز جمعه مورخ ۱۳۶۷/۴/۳ فرمانده حسن بیژنی جهت انجام امورات گردان بقصد عزیمت به مقرگردان امام حسن(ع) واقع در پادگان الغدیر در منطقه جراحی سوار خودروی لندکروزر خود شد و ضمن خداحافظی جزیره را ترک نمود.

پس ازخداحافظی فرمانده گردان و عزیمتش به مقرگردان تعدادی ازبچه ها با توجه به گرمی هوا مثله هر روز مشغول شنا درحوضچه یا پارکینگ قایق های گردان جلو سنگرهای اجتماعی شدند. قاسم بنوی، غلامرضا بیژنی و پاسدار محسن جمیله ای و تعدادی دیگر از بچه های گردان زیر سایه بالکن یا سایه بانهایی که با بیشه و نی های مجنون جلوی سنگرهایمان درست کرده بودیم نشسته بودند. غلامرضا بیژنی که همیشه با لباس فرم سپاه بود بلند شد و چون لباسش بر اثر گرما و عرق نمک نقش بسته بود رفت لباس فرمش را عوض کرد و یک لباس نظامی که مشهور بود به لباس کره ای پوشید و لباس فرم سپاهیش را شست و روی سیم لباسی که با سیم تلفن بین سنگر فرماندهی و سنگر اجتماعی ما بسته بود آفتابش کرد. کم کم هوا رو به غروب میرفت و جزیره همچنان ساکت و آرام بود.

شام را با قایق دو تا ازبچه ها از پشت خط مقدم آوردن، نان و خورش گوشت آبکی بسیار چربی بود.

بعد از اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء که با توجه به ظرفیت سنگر حدود ۱۰ دوازده نفره و در سنگر فرماندهی برگزار می شد شام را با دوستان و هم گردانی ها درنهایت صفا و صمیمیت و مثله همیشه با شوخی های فضل الله حیاتی و سید یوسف موسوی خوردیم، غافل از این که این شام آخر بچه ها بود و آخرین وعده غذایی مان در مجنون و در کنار یکدیگر...

ادامه دارد...

---

### متخصص پزشکی اجتماعی:

# تک روی در مبارزه با کرونا جواب نمی‌دهد

بوشهر- ایرنا- متخصص پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: در مقابله با همه‌گیری ویروس کرونا و قطع زنجیره انتقال بیماری کووید ۱۹ با تک روی به موفقیت نمی‌رسیم و برد در این مبارزه در گرو همکاری و همگامی همه بخش‌های جامعه است.

بتول امیری در گفت وگو با ایرنا افزود: در این شرایط هرکسی باید سهم خود را در مشارکت برای تغییر رفتار جامعه با بکارگیری بازاریابی اجتماعی، قانون و آموزش انجام دهد تا چرخ اقتصاد و سلامت با دگرخواهی با هم بچرخد.

وی اضافه کرد: محدودیت‌های کرونایی اخیر برای استان بوشهر در زمان بسیار مناسبی اعمال شد زیرا سیر نزولی همه‌گیری پس از موج سوم این ویروس در این آغاز شده بود و این همزمانی وضعیت اپیدمیولوژیک شکننده با اعمال این محدودیت‌ها در سراسر کشور باعث شد تا این روند کاهشی ادامه یابد و از شدت همه‌گیری ویروس کرونا در استان کاسته شود.

امیری ادامه داد: اعمال قوانین و مقررات سخت‌گیرانه، اثر گذارترین اهرم کنترل اپیدمی و تغییر رفتار سلامت هستند اما از این ابزار در بلند مدت نمی‌توان استفاده کرد و برای اثر بخشی بیشتر و جامع‌تر در طول زمان نیاز به ترکیب رویکردهای سه‌گانه آموزش، بازاریابی اجتماعی و قانون برای تغییر در رفتار وجود دارد.

این متخصص پزشکی اجتماعی بیان کرد: پس از گذشت حدود ۱۰ ماه از شیوع جهان شمول ویروس کرونا، مردم آموزش‌های زیادی ازطریق رسانه‌های سنتی (تلویزیون و رادیو) و مجازی (شبکه‌های اجتماعی) دریافت کرده‌اند اما باید در نظر داشت که مدل‌های افراد در ارتباط با باور مالکیت سرنوشت سلامت خود (health locus of control model) متفاوت و در مورد نقش نیروهای درونی یا بیرونی در کنترل سلامتی متغیر است.

وی گفت: برخی افراد ممکن است باور داشته باشند که بیشترین کنترل را بر سلامتی خود دارند (کانون کنترل درونی)، بعضی دیگر ممکن است به کنترل دیگر افراد از جمله متخصصان مراقبت بهداشتی (کانون کنترل دیگران موثر)، عده‌ای به شانس (کانون کنترل شانس) و شماری هم معتقد باشند سرنوشت یا خداوند (کانون کنترل خدا) مسئول بیماری و سلامتی آنها هستند.

این متخصص پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر افزود: در مواجهه با افراد مختلف برای تغییر رفتار سلامتی، بسته به باور آنها باید ارتباط و انتقال خطر متناسب و مداخله‌های مطلوب صورت گیرد و این تفاوت‌ها در جامعه لحاظ شود، از طرفی افراد مختلف در پذیرش و بکارگیری موضوع‌ها و رفتارهای جدید تفاوت دارند.

وی گفت: در مدل اشاعه نوآوری‌ها (diffusion of innovations) افراد براساس میزان استقبالی که از نوآوری می‌کنند به پنج گروه نوآوران یا افراد جسور و خطر پذیر (۵ درصد)، اقتباس گران اولیه یا زودپذیرندگان افرادی که سریع وآگاهانه سازگار می‌شوند و رهبران فکری هستند( ۱۰ درصد)، اکثریت اولیه که افراد با فکر و نکته سنج و ملاحظه کار بوده و با احتیاط عمل می کنند(۴۰ درصد جامعه)، اکثریت متأخر افراد مردد و شکاک که به خاطر ضرورت‌های اقتصادی و یا افزایش فشارهای محیطی و اجتماعی نوآوری را می‌پذیرند (۴۰ درصد)، عقب ماندگان و دیر پذیرندگان افراد سنت‌گرا و وابسته به محیط زندگی که اغلب گوشه‌گیر بوده و در گذشته سیر می کنند (۵ درصد ) تقسیم می‌شوند.

امیری ادامه داد: با در نظر گرفتن این مدل‌های رفتاری و بر اساس توزیع نرمال، تعداد آنانی که رفتارهای پیشگیری از ابتلا به کرونا را می‌دانند و باور دارند و عمل می‌کنند به اندازه‌ای است که دیگر باید در کنار برنامه‌ریزی مداوم و هدفمند آموزش جامعه، رویکرد بازاریابی اجتماعی و قانون را با توجه و قدرت بیشتری استفاده کرد. رویکرد بازاریابی اجتماعی برای تغییر رفتار افرادی بکار می‌رود که آگاهی و دانش لازم را دارند اما به دلایلی رفتار مطلوب را انجام نمی‌دهند؛ این دلایل می‌تواند موانع فردی (مانند فقدان خودکارآمدی برای انجام یک رفتار خاص)، اجتماعی (مانند حمایت نکردن افراد همسان یا کسانی که دوستشان داریم از رفتار مورد نظر)، اقتصادی (پول) یا محیطی ( نبود امکان دستیابی به محصول یا خدمت مورد نظر) باشد. وظیفه هر فرد در کنار وظیفه حکومت استفاده از سه رویکرد تغییر رفتار است و هر فرد باید سهمی را در تغییر رفتار جامعه خود (حتی چند نفره) در پاسخ به همه‌گیری ایفا کند؛ افراد در گروه نوآوران، زودپذیرندگان و اکثریت اولیه توانمند، مسئولیت اجتماعی دارند که ابزارهای سه گانه تغییر رفتار سلامت (قانون، بازاریابی اجتماعی و آموزش) را به کار گیرند.

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

# نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر




## گرگونامه ۹۹

جعفر حمیدی

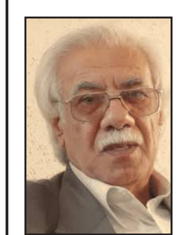


### گرگو به تماشای چه چیز آمده ای

**گرگو هوا هوای دیگریست**
**گویا که نوازشت برای دیگریست**
**افتاده هزار نخل خشکیده به جای**
**سرچشمه ی مهر تو به جای دیگریست**
*
**گرگو گرگو تا به سحر بیداریم**
**در خانه به خواب و در سفر بیداریم**
**گردونه ما که لنگ لنگان گذرد**
**ما نیز میان رهگذر بیداریم**
*
**گرگو گرگو، بار گران یعنی چه**
**لبخند زدن با دگران یعنی چه**
**وقتی که شکست کاسه ی نازک دل**
**شادی و نشاط خوشدلان یعنی چه**
*
**گرگو گرگو، بهار افسانه شده**
**دیدار رخ نگار افسانه شده**
**در کوچه صدای پای دیّاری نیست**
**افسون نگاه یار، افسانه شده**
*
**گرگو به تماشای چه چیز آمده ای**
**گویا که ز روز رستخیز آمده ای**
**این پیرهنت چرا پر از خاک و گل است**
**شاید همه راه، سینه خیز آمده ای**
*
**گرگو چه خبر، عربده از جانب کیست**
**گرگ آمده یا پلنگ، فریاد زچیست**
**این صومعه سال پیش آباد نبود**
**باید که به حال عشق جانانه گریست**
*
**مستم که نه مستم که نه مستم که نه مست**
**هستم که نه هستم که نه هستم که نه هست**
**هر چند هزار دزد بر خانه زدند**
**رَستم که نه رَستم که نه رَستم که نه رَست**
*
**گرگو تو که آمدی، دلی شاد کنی**
**ویرانه ای از امید، آباد کنی**
**شب آمد و زد سیلی جانانه به شهر**
**افسوس نشد پرنده آزاد کنی**

## سید مهدی علوی هم رخت بربست

**عبدالمجید زنگویی**



سیدمهدی علوی هم مانند میلیون ها تن دیگر در سراسر گیتی در چنگال مرگ آفرین و نفرت انگیز ویروس کرونا گرفتار شد و جان به جان آفرین سپرد.

همین چند روز پیش بود، در اوایل آذر ماه نود و نه سید مهدی علومی هم، ناباورانه مانند بسیاری از هم وطنان، فدای هجوم ویروسی شد که به دروغ آن را به خفّاش نسبت دادند. گویا دیواری کوتاه تر از دیوار این جانور نیافته بودند. آن چه مسلّم است از خفّاش نبوده بلکه باید بپذیریم که این ویروس را در لابراتوار و آزمایشگاه ها تولید کرده اند. لابراتوار و آزمایشگاهی که هر کس لب گشود تا راز آن را فاش سازد، لبش را دوختند یا به زندانش افکندند و یا به دیار نیستی اش فرستادند. منظور از تولید این ویروس و پخش آن به سراسر جهان چیست؟ نمی دانم! به راستی:

آن که را اسرار حق آموختند
مهر کردند و دهانش دوختند

سیدمهدی علوی، فرزند سیدمحمدعلی و نوه ی زنده یاد سیدعبداله علوی بود، که چاپخانه علوی را پس از چاپخانه مظفری در بوشهر تأسیس کرد. و در حقیقت یکی از قدیمی ترین چاپخانه های ایران که در بوشهر تأسیس شد. و زحمات زیادی در حوزه فرهنگی این استان بر دوش کشیدند.

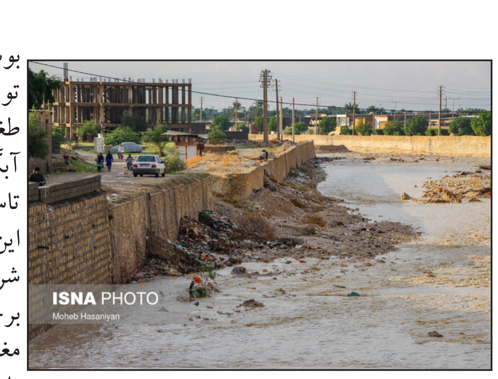
سیدمهدی پس از انتقال به تهران، چاپخانه علوی را در خیابان سی تیر بنا گذاشت که مدیریت آن را آقای شاهرخ رکنی بر عهده دارند. و من خود سال ها با این چاپخانه کار می کردم و چه قدر کارکنان آن بویژه آقای رکنی، خوش برخورد و مؤدبانه با مراجعین رفتار می کنند.

سیدمهدی از بدو ورود به تهران و اقامت در این شهر، در صدد گردآوری و تشکیل نشست هفتگی بوشهری های مقیم مرکز برآمدند؛ و خود، یکی از کسانی بود که با عشق و علاقه ی بسیار در برگزاری جلسات هفتگی همّت می گماشت و جزو نخستین کسانی بود که به طور معمول در نشست ها حضور می یافت.

لحظه ای که آقای پرویز هوشیار دیگر همشهری ما، این خبر ناگوار را تلفنی به من داد، برایم قابل قبول نبود؛ چون خودش هم یقین نداشت. تا این که آقایان رازی طبیب و دکتر جعفر حمیدی هم خبر را تأیید کردند.

به راستی که خبر ناگوار بود. من نیز به نوبه ی خود این ضایعه ی بزرگ را به یاران و همشهریان، به ویژه به آنان که در نشست های هفتگی در تهران شرکت داشتند، تسلیت می گویم و بقای عمر بازماندگان این عزیز را آرزومندم. یادش گرامی و نامش جاودانه باد.

## مصائب سیلاب در بوشهر و آمادگی دولت برای کمک به آسیب‌دیدگان




بوشهر- ایرنا- بارندگی‌های شدید همراه با توفان تندری روز یکشنبه در استان بوشهر باعث طغیان رودخانه‌های فصلی، جاری شدن سیلاب، آبگرفتگی، کشته شدن ۲ نفر و خسارت به مردم، تاسیسات زیربنایی و بخش کشاورزی شد.

این سامانه بارشی که بیشتر مناطق شمالی و شمال شرق استان بوشهر را تحت تاثیر قرار داد، علاوه بر برجای گذاشتن ۲ کشته باعث ورود آب به خانه‌ها، مغازه‌ها و تخریب مزارع و بخش کشاورزی، تاسیسات زیربنایی و خسارت به وسایل نقلیه مردم شد.

براساس اعلام اداره‌کل هواشناسی استان بوشهر میزان بارندگی این سامانه در وحدتیه ۱۶۷ و شبانکاره دشتستان ۱۶۰ میلی متر ثبت شده‌است که این حجم بارش در مدت ۲ ساعت باعث طغیان رودخانه‌های فصلی، آب‌گرفتگی خانه‌ها و معابر، بسته شدن راه ارتباطی برازجان - شیراز و خسارت به بخش کشاورزی شد.

در شمال استان بوشهر براثر طغیان رودخانه‌های فصلی و آبگرفتگی جاده‌ها محورهای ارتباطی دیلم - هندیجان، دیلم - بهبهان، گناوه - برازجان و محور ساحلی گناوه - بوشهر برای چندین ساعت بسته شد.

شدت بارندگی در شهر گناوه به حدی بود که کانال‌های دفع آب‌های سطحی امکان تخلیه و هدایت آب به سمت دریا را نداشت و برخی از خودروها در خیابان‌ها و کوچه‌ها به دلیل آبگرفتگی گرفتار و دچار نقص فنی شدند.

همچنین به دلیل شدت بارش برق شهرستان گناوه قطع شد و باد و توفان شدید باعث سقوط ۷۰ پایه برق و ۲ دستگاه ترانس شد و به چهار کیلومتر شبکه فشار متوسط آسیب رسید که براساس برآورد اولیه کارشناسان ۳۰ میلیارد ریال به شبکه و تأسیسات برق این شهرستان خسارت وارد شده‌است.

مردم شهرهای شبانکاره و وحدتیه از توابع شهرستان دشتستان نیز دچار مشکلات زیادی از جمله آبگرفتگی معابر و منازل شدند که با تلاش نیروهای امدادی آب ورودی به خانه‌ها تخلیه و به مردم امدادرسانی شد.

در جریان سیلاب ۲ زن ۳۴ و ۳۵ ساله از اهالی روستاهای شهرستان دشتستان براثر ریزش کوه و گرفتار شدن در سیلاب جان خود را از دست دادند.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری بوشهر گفت: چهار محور ارتباطی این استان با استان‌های خوزستان و فارس بسته شده بود با تلاش نیروهای راهداری بازگشایی شد.

بخش کشاورزی شهرستان‌های دشتستان، گناوه و دیلم نیز در جریان سیلاب دچار بیشترین خسارت شد که کارشناسان در حال بررسی میزان آن هستند.سیلاب استان بوشهر منجر به تخریب و آب بردگی زمین‌های کشاورزی شامل جالیز و گندم، تخریب سیل بندهای خاکی اطراف مزارع، گلخانه‌ها، تخریب سازه‌ها و ساختمان دامداری‌ها، انبارهای نگهداری علوفه، تلف شدن دام‌ها و تخریب چاه‌ها، تلمبه‌ها و تاسیسات این بخش در این مناطق شد.

# سیدمهدی علوی؛ یکی از ستون‌های تاریخ شفاهی چاپ ایران و بوشهر

**بمناسبت درگذشت سیدمهدی علوی بهبهانی، مدیر فقید چاپ‌خانه علوی بوشهر**



سیدقاسم یاحسینی با برشمردن سابقه تلاش‌های مرحوم سیدمهدی علوی در زمینه چاپ و نشر، او را یکی از ستون‌های تاریخ شفاهی چاپ ایران و بوشهر خواند.

سیدقاسم یاحسینی در گفت‌وگو با ایرنا گفت: بی‌شک چاپ‌خانه علوی بوشهر، کهن‌ترین چاپ‌خانه فعال ایران است که در روز دوشنبه نیمه شعبان سال ۱۳۲۵ برابر با ۳۱ شهریور ۱۲۸۶ تأسیس شد و یکصدوهشت سال است که به فعالیت خود ادامه می‌دهد و با درگذشت سیدمهدی علوی، هم‌اکنون نسل پنجم خاندان علوی، اداره‌گر آن هستند و این پرچم، بَه دست نسل جوان این خَاندان افتاده است.

او درباره مؤسس این چاپ‌خانه افزود: چاپ‌خانه علوی را سیدعبدالله علوی بهبهانی مشهور به سیدعبدالله صحاف ایجاد کرد. او نخستین‌بار چاپ سنگی را که تا آن زمان در ایران نبود، از هند وارد کرد و چهار کارگر هندی را هم به کار گمارد و به‌این‌ترتیب، چاپ‌خانه خود را گسترش داد. البته او پیش از این، با شراکتِ یکی‌دونفر دیگر، چاپ‌خانه‌ای داشتند که تعطیل شد.

از آن زمان به این‌سو، یعنی از مشروطه تا امروز، این چاپ‌خانه در حیات فرهنگی بوشهر، حضور مهم و مؤثر داشته و ده‌ها عنوان کتاب و نشریه در آن چاپ شده است. در میان منشورات چاپ‌خانه علوی، می‌توان به قرآن مطلّایی اشاره کرد که به اذعان خانواده علوی، یکی از شاهکارهای چاپ به‌حساب می‌آید.

این پژوهشگر بوشهری، چاپ‌خانه علوی را یکی از نقاط اتصال میان تاریخ چاپ و تاریخ زنان بوشهر دانست و گفت: یکی از خواهران مرحوم سیدمهدی علوی، وقتی جوان بود، در چاپ‌خانه، فعالیت می‌کرد و حروف‌چین بود. این ویژگی را من کمتر سراغ دارم که یک خانم در آن روزگار، متخصص چاپ‌خانه بوده باشد و این مایه مباهات این چاپ‌خانه است. همچنین علوی، به این دلیل چاپ‌خانه مهمی است که علوی، از ابتدای تأسیس تا نیمه دهه شصت، تنها چاپ‌خانه سراسر استان بوشهر بود و نقش بی‌بدیلَی در اشاعه فرهنگ در جنوب ایران داشت.

سرپرست دانشنامه بوشهر بیان کرد: زنده‌یاد سیدمهدی علوی بهبهانی، مدیر فقید چاپ‌خانه علوی که پنج‌شنبه ششم آذر، در هشتاد و دو سالگی به سبب ابتلا به ویروس کرونا دار فانی را وداع گفت، بسیار ایران‌دوست و بوشهردوست بود. در بوشهردوست بودن همین بس که منزلِ ارثیه پدری‌اش را که ده‌ها میلیارد تومان ارزش داشت، وقف موزه چاپ بوشهر کرد و حتی دستگاه‌های چاپ قدیمی چاپ‌خانه خود را بی‌هیچ چشمداشت در اختیار قرار داد و تا آخرین روز حیات هم، در پی آغازبه‌کار این موزه بود.

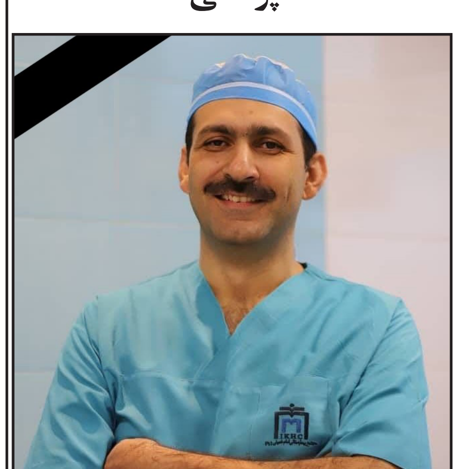
جالب آن که وقتی دکتر رسول جعفریان، چندسال پیش، در مجلس، موزه چاپ احداث کرد و از علوی هم خواست، دستگاه‌های چاپ قدیمی چاپ‌خانه خود را به آن جا بیاورد، نپذیرفت و گفت چون بوشهری هستم، می‌خواهم در بوشهر بماند.

یاحسینی خاطرنشان ساخت: وقتی سیدمهدی علوی درگذشت، احساس کردم، یکی از ستون‌های تاریخ شفاهی چاپ ایران و بوشهر از میان ما رفت. شاید اگر عشق در این خاندان و در شخص مرحوم سیدمهدی علوی نبود، این چاپ‌خانه تا امروز زنده نمی‌ماند. او بارها به خودِ من گفته بود، اگر می‌خواستیم ثروت‌مند شویم، تجارت را دنبال می‌کردیم. این گفته کاملا درست است؛ او و پدرانش ماندند و این چراغ را روشن نگه داشتند چون می‌دانستند که یکی از منافذ رونق فرهنگ، صنعت چاپ و چاپ‌خانه است. امید که نسل پنجم خاندان علوی، بمانند و بپایند و نگذارند این چراغ بیش از یکصدساله خاموش شود.

گفتنی است زنده‌یَاد سیدمهدی علوی بهبهانی، مدیر فقید چاپ‌خانه علوی بوشهر، پنج‌شنبه ششم آذر، در هشتادودو سالگی به‌سبب ابتلا به ویروس کرونا در تهران دار فانی را وداع گفت.

**پیام تسلیت رییس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به مناسبت درگذشت دکتر دشتی**

## ضایعه‌ای دردناک برای جامعه پزشکی



دکتر "سعید کشمیری "رییس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر طی پیامی درگذشت نابهنگام دکتر "سید حبیب الله دشتی " را تسلیت گفت.

متن این پیام بدین شرح است:

انا لله و انا الیه راجعون

رحلت مردان حق، از بند عالم رستن است
گفتن لبیک، خود پیوند الفت بستن است

یک‌بار دیگر یکی از فرزندان شایسته استان، جراح توانمند و از فارغ التحصیلان برجسته دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو تیم پیوند کبد بیمارستان امام خمینی که در راه اعتلای علم و دانش پزشکی عمری را به تلاش و کوشش در این مسیر صرف نمود، دعوت حق رالبیک گفته و آسمانی شد.

بی‌شک درگذشت این استاد برجسته پزشکی (دکتر سیدحبیب الله دشتی)که به علت مبارزه چند ماهه با بیماری بدخیم خونی، فوت شدند ضایعه‌ای دردناک برای ماست. اما یاد و نام ایشان همیشه در خاطره ها باقی خواهد ماند.

اینجانب این مصیب بزرگ را به خانواده محترم ایشان و جامعه پزشکی تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان ایشان صبر و شکیبایی از درگاه خداوند متعال خواستارم.

دکتر سعید کشمیری
رییس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

## روح بلند دکتر سید حبیب الله دشتی به دیدار حق شتافت




با کمال تاسف با خبر شدیم که دکتر سید حبیب الله دشتی جراح توانمند و از فارغ التحصیلان برجسته دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو تیم پیوند کبد بیمارستان امام خمینی به دیدار معبود شتافته است. این ضایعه بزرگ و فقدان جبران ناپذیر را به خانواده آن مرحوم، جامعه پزشکی کشور و مردم شریف استان بوشهر تسلیت عرض می کنم و برای همه بازماندگان تندرستی و شکیبائی و برای آن مرحوم آمرزش ابدی در جوار حضرت حق مسالت می کنم.

دکتر علیرضا رئیسی- معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

## در علم و اخلاق زبانزد بود

**دکتر سیروس عباسی**

هـوَیُحْیی ویُمیتُ وَإِلیهِ تُرجَعونَ -
او زنده می کند ومی میراند و به سوی او برگردانده می شوید( یونس ۵۶)

درگذشت همکار ارجمندمان آقای دکتر سیدحبیب الله دشتی؛ جراح و پزشک برجسته و عضوهیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ مایه تأسف و تأثر بسیار است. همه ما داغدار از دست دادن دوست و همکاری نیکوخصال و عزیز هستیم.

دکتر دشتی برخاسته از سرزمین نخل و دریا و آفتاب یعنی استان بوشهر بودند. با کوشش های فراوان بالنده و پویا شده و در عرصه پزشکی و جراحی به شکوفایی رسید. هیئت علمی دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران شد. دکتر دشتی فعال و همیشه حاضر و از افراد کلیدی و مؤثر در تیم پیوند اعضاء دانشگاه تهران بود.

مردی که در علم و اخلاق زبانزد بود و دوستان و همکارانش را مرهون ومدیون نجابت و سخاوت و نیکوییهای خویش ساخت. به حقیقت جایگاهی والا و ستوده نزد خلق خدا دارد؛خدای عزوجل ایشان را در جوار رحمت ومغفرت واسعه خویش محفوظ و محظوظ بدارد.

این فقدان غم انگیز را خدمت خانواده ارجمند ایشان تسلیت و تعزیت می گوییم.

**در سوگ از دست دادن دکتر حبیب الله دشتی**

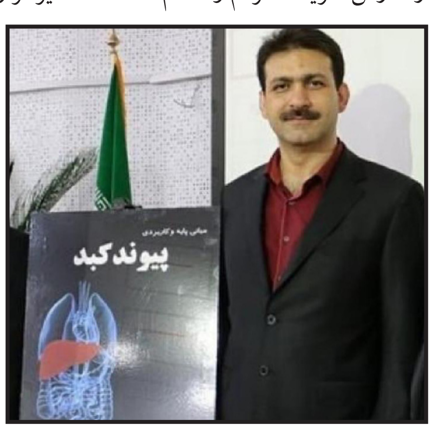
## انسان بزرگی که وجودش موجب مباهات و نتیجه کارش منشا نجات جان بسیاری از هموطنان شد

**دکتر افشین استوار - معاون پیشین آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر**

فکر می کنم سال ۱۳۹۱ بود که به همراه رئیس و اعضای هیات رئیسه دانشگاه علوم پزشکی بوشهر برای نظارت سرزده بر عملکرد بیمارستانها به برازجان رفتیم. نیمه شب در اورژانس بیمارستان ۱۷ شهریور برای اولین بار دکتر حبیب الله دشتی را ملاقات کردم. جراح جوان و برازنده ای که کاملا مشخص بود بر اوضاع مسلط است و به خوبی بیماران و بخش جراحی را مدیریت می کند. با اعتماد به نفس بالا، صراحت و بدون لکنت ولی با احترام از وضعیت بیمارستان و کمبودها و درخواستهایش برای بهبود وضعیت بیمارستان گفت و آخر سر هم اشاره کرد که البته اینها را برای خودش نمی گوید چون طرحش در حال اتمام است و دیگر قرار نیست درآن بیمارستان کار کند.

بعد از این که بازدید کنندگان مشغول بازدید از سایر بخش های بیمارستان شدند، به آرامی خودش را به من رساند و سر صحبت را باز کرد. گفت که مرا دورادور می شناسد و من پوزش خواستم که قبلا سعادت دیدارشان را نداشته ام.

از کارش تعریف کردم و گفتم که تحت تاثیر قرار




گرفته ام و سپس از سوابقش پرسیدم.

پاسخ داد که اهل استان بوشهر و فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی بوشهر است و برای تخصص جراحی در دانشگاه علوم پزشکی تهران تحصیل کرده است.

خیلی تاسف خوردم که در حالی که که آن روزها دانشگاه به شدت نیازمند جراح تمام وقت و جوان برای اداره بخش های آموزشی و آموزش دانشجویان در بیمارستان آموزشی استان بود، از وجود ایشان بی اطلاع بوده ام. از دکتر دعوت کردم که برای عضویت هیات علمی دانشگاه اقدام کند ولی با کمال تاسف جواب داد که در حالی که قبلا خیلی برای این کار تمایل داشته است از حمایت کافی برخوردار نشده و در نتیجه منصرف شده است. به نظر می رسید که خیلی سرخورده و ناراحت است و به من گفت اگر قبلا با شما برخورد می کردم شاید نظرم تغییر می کرد ولی الان مدتی است که از سوی تیم جراحی پیوند کبد دانشگاه تهران دعوت به کار شده و قصد دارد با توجه به علاقه اش به آن تیم بپیوندد.

من باز هم اصرار کردم و گفتم اگر نظرش عوض شد با من تماس بگیرد که البته با ادب و متانت پذیرفت ولی هرگز به این دلیل با من تماس نگرفت.

بعدها چند بار در حالی که در حال نگارش یک مقاله علمی و تنظیم مدارکش برای اقدام برای عضویت هیات علمی دانشگاه تهران بود با من تماس گرفت و یکی دو بار هم در مرکز تحقیقات بیماری های عفونی به اتفاق استاد نبی پور ایشان را ملاقات کردم. و هر بار احساس دوگانه ای از تاسف و تحسین به من دست می داد. تاسف از اینکه دانشگاه بوشهر و مردم بوشهر چنین جراح حاذقی را از دست می دهند و تحسین و افتخار از اینکه همین جراح بوشهری در یکی از موفق ترین و علمی ترین گروههای جراحی در دانشگاه تهران به کار مشغول خواهد شد و از خدماتش همه کشور بهره مند خواهند شد.

سالهای بعد دورادور در جریان فعالیت های ایشان بودم که البته همیشه از ایشان به نیکی یاد می شد و همگان آینده درخشانی برایش پیش بینی می کردند.

از شنیدن خبر فوت دکتر دشتی شدیدا بهت زده شدم. احساس اندوهی عمیق و تاسفی وصف ناپذیر برای از دست دادن یکی از فرزندان رشید استان بوشهر. انسان بزرگی که وجودش موجب مباهات و نتیجه کارش فراتر از محدوده استان بوشهر منشا خیر و خدمات ارزشمند و نجات جان بسیاری از هموطنان شد. از دست دادن دکتر دشتی ضایعه ای تلخ و جبران ناپذیر است ولی فرصتی برای یادآوری این نکته است که باید استعدادهای جوان در استان بوشهر قدر دانسته شده و در آغوش گرم و مهربان مردم با فرهنگ این استان ارج ببینند و مدیران و سیاستگذاران استان نیز از همه ابزارهای در اختیار برای حمایت از آنان و کمک به رشد و بالندگی این استعدادها، که همان توسعه و بالندگی استان است، استفاده کنند. روحش شاد و یادش گرامی.